سه مبعِّد برای این حمل

برای احتمال اول که به نیت بود من سه مبعد را آخر جلسه قبل عرض کردم. نمی‌خواهم بگویم این مبعِّدها مثل مکاتبه می‌شود. بحمدالله بعداً از عبارت اصول الفقه آشیخ حسین حلی پیدا شد. ولی آن چه که ذهنیت من هست، این است به آن نحوی که آقایان در مکاتبه فرموده‌اند حتی به‌عنوان استعمال لفظ در اکثر از یک معنا هم احتمالش در ذهن من، صفر است. داشتم تنها ذهنیت خودم را عرض می‌کردم. ولو نزد کسانی که آن احتمال را می‌دهند کاشف از قصور ذهن من باشد. مانعی ندارد ولی من دارم ذهنم را عرض می‌کنم. لذا آن احتمال اصلاً نیست، حتی از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا. اما اینجا این جور نیست. در اینجا احتمال این‌که از باب استعمال لفظ در اکثر از یک معنا باشد، هست؛ یعنی مقصود از «ازدده» نیت هم باشد. یعنی «ازدده بالنیة». قصد می‌کنم ماه مبارک را. یعنی دارم یک روز را اضافه می‌کنم. من در این مشکلی ندارم. صحبت سر اظهر و ظاهر است. صحبت سر این است که با قرائنی که داریم کدام یک اظهر است؟ سه وجه را گفتم. من از سومی شروع می‌کنم. چون در اولین آن‌ها مناقشه فرمودند. آن را در آخر کار می‌گذارم و دوباره عرض می‌کنم. وجه سومی که خیلی سریع عرض کردم این بود:

> 12:58

۱) ظهور لحن امام در ترک صوم یوم الشک، نه بیان نیت

وقتی هر کسی این عبارت امام علیه‌السلام را ببیند احساس او از لحن امام علیه‌السلام چیست؟ «لان افطر»؛ من یک روزی از ماه مبارک را افطار کنم، نزد من محبوب‌تر است از «لان اصوم یوما من شعبان ازدده فی شهر رمضان»؛ نزد من محبوب‌تر است از این‌که یک روز ماه شعبان را بگیرم درحالی‌که این ماه شعبان را به ماه مبارک اضافه می‌کنم. وقتی عرف عام این لحن را می‌شنود امام او را به‌سوی ترک صوم یوم الشک می‌برند یا می‌خواهند نیت را به او یاد بدهند؟ این عرض من است. لحن چه لحنی است؟ کسی که این را می‌شنود چه می‌فهمد؟ اگر یک روز را افطار کنم نزد محبوب‌تر از این است که یوم الشک را روزه بگیرم و آن را اضافه کنم، یعنی می‌خواهند بگویند نگیر؟ یا می‌خواهند بگویند خوب است که روزه را بگیری اما نیت ماه مبارک را نکن؟

شاگرد: روزه را نگیر.

استاد: بله، من هم گمانم این است. این سومین وجه بود.

شاگرد: نسبت به استظهار طرف مقابل، مصادره به مطلوب است. طرف می‌گوید اگر امام بستر کلامشان این باشد که می‌خواهند در حالت بدعت صحبت بکنند، یعنی حیثیتی که امام متعرض

آن هستند این حیثیت است که اگر به‌صورت واقعی ترک شود بهتر از این است که من ترک کنم.

استاد: آن وجه دومی است که عرض می‌کنم. مانعی ندارد. حالا من این را بگویم. به فرمایش شما می‌آیم.

پس اگر بپذیریم کسی که این را می‌بیند از لحن امام می‌فهمد که امام می‌خواهند بگویند «افطر یومها»؛ مانعی ندارد افطار کن؛ بهتر از این است که زیاد کنی. اگر لحن امام علیه‌السلام بردن مخاطب به‌سوی ترک صوم است، اینجا مناسبت ندارد که منظورشان نیت باشد. چرا؟ چون اختیار نیت به دست راوی است. اینجا باید بگویند «لان انوی یومها من شعبان اصومه خیر من ان انوی صومها من رمضان ازیده فی رمضان». یعنی نیت را توضیح می‌دهند. چرا؟ چون در نیت دو گزینه داریم. وقتی دو نیتی است که یکی از آن‌ها مستحب است و دیگری «نهیان و امران» است، اگر امام هم بخواهند نیت را بگویند، خب گزینه درست را به او یاد می‌دهند. مسأله بدعت بودن هم حرفی است اما در بدعت، نیت دارد و حضرت آن را یاد او می‌دادند. می‌گویند از این را برو که مستحب انجام داده‌ای، از این راه برو. نه اینکه میخ آن را بکوبند که «افطر یومها احب»؛ افطار نزد من محبوب‌تر است. نه، باید برای شعبان نیت بکنی. نیت ماه مبارک نکن و این نیت هم به دست تو است.

۲) تناسب بدعت با حکم «اکره»، نه «احب»

وجه دوم؛ وجه دوم تناسب حکم و موضوع بود. اگر منظور امام علیه‌السلام مسأله بدعت، داخل کردن یومی از شعبان بود، حداقلش بود به جای شبهه حرمت «اکره» می‌گفت. «انی اکره ان اصوم یومها من شعبان ازیده فی شهر رمضان». «احبّ» تناسب حکم و موضوع داشته باشد، آن هم با شبهه تشریع؟! احب یعنی این محبوب‌تر است و آن هم اشکال ندارد. بدعت اشکال ندارد؟! افطار احب است، خب حالا آن طرفش هم محبوب است! آن طرفش هم اشکال دارد، احب معنا ندارد. تناسب حکم و موضوع به واژه «احب» نیست چون شبهه بدعت و حرمت مطرح است. تناسب حکم و موضوع در شبهه حرمت و بدعت، تعبیری محبوب تر نیست. حداقلش تعبیری «اکره» است. اکره ان اصوم یومها من شعبان ازیده فی شهر رمضان.

شاگرد: ظاهراً این عبارت ترکیب متعارفی بوده. مثلاً فرض کنید خلیفه وقت امروز را عید اعلام کرده ولی امام علیه‌السلام آن روز را عید نمی‌دانند. می‌گویند «ان اصوم یومها احب ان یضرب عنقی». یعنی ما بعد از «احب» چیز خیلی بدی هست. لازم نیست بگوید «اکره». یعنی مقامش فی الجمله حالت مجازگویی دارد.

شاگرد۲: «رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ[1]».

استاد: بله، خیلی از افعل تفضیل به این صورت هست. در «خیر» هم که خیلی بیشتر داریم. چون اصل «خیر»، «اخیَر» است. این حرف درست است اما صحبت سر این است که دو احتمال مطرح است. اگر در روایت عبارتی می‌آید که نزد همه واضح است و همه می‌فهمند حرفی نیست اما صحبت سر این است که الآن می‌خواهیم ببینیم «ازید» در اینجا یعنی «ازید» به نیت ای احتمال دیگری در کنار او هست؟ یعنی «ازید» به حمل شایع باشد. با ملاحظاتی غیر از آن. برای ترجیح دو احتمال از این راه استفاده می‌کنیم.

شاگرد: عرض من این است که اگر منظور از «ازدی» اضافه با نیت است، «احب» متناسبش هست. دیگر نمی‌توانیم آن را به‌عنوان یک شاهد علیه‌ش بیاوریم. مگر این‌که بگوییم این استعمال فی حد نفسه خلاف ظاهر است. ولی اگر طبق این احتمال درست باشد دیگر از حیث روشی نمی‌توانیم این را برای خودمان شاهدی بگیریم. بلکه باید شاهدی بگیریم که فی حد نفسه دور بکند این را که «ازدی» به نیت باشد.

استاد: مسأله ترک، مهم است. یعنی لسان و سیاق عبارت می‌گوید که روزه نگیرم. و حال آن‌که نیت تحت اختیار ناوی است. چرا امام نیتی که تحت اختیار او است و دو گزینه دارد -یکی از آن‌ها بدعت است و دیگری مستحب است- را سوق می‌دهند که نگیر؟ این همه هم روایات و فتوا هست.

شاگرد: در اینجا یک جامعی هست. یک طرف روزه گرفتن به نیت رمضان است و مقابلش جامعی داریم که یکی از آن‌ها روزه نگرفتن است و دیگری به نیت رمضان نگرفتن است. این‌که کدام یک را انتخاب کنند فکر نکنم که فرمایش شما را نزدیک کند.

۳) ندار بودن حمل «ازدیه» بر نیت در خارج

استاد: من اولی را عرض کنم. شما در جلسه قبل در آن مناقشه کردید. در وجه اول مورد انکار نیست به‌خاطر این‌که روزه ماه مبارک در ذهن مردم پر رنگ است، وقتی به یوم الشک برسند بگویند که دیگر ماه مبارک رسید. فردا را روزه می‌گیرم. مشکلی ندارد که به این صورت نیت کنند. اما صحبت سر این است که اگر از همین شخصی که این‌طور نیت می‌کند -می‌گویی فردا ماه مبارک است و روزه می‌گیرم- بپرسیم یوم الشک هست یا نیست؟ می‌گوید بله هست، ولی من نیت ماه مبارک را می‌کنم. به او بگویی عینی ولو ماه مبارک نباشد شما قصد داری ماه شعبان را در ماه مبارک داخل کنی؟ چه می‌گوید؟ عرف عام چه می‌گوید؟ می‌گوید ولو ماه، ماه مبارک نباشد قصد داری زیاد کنی؟ می‌گوید بله یا نه؟ می‌گوید نه.

شاگرد: این نکته‌ای که فرمودید نکته خوبی است. مرکوز نزد اذهان هست که منظور امام این نیست که روزه رمضان ترک شود، معلوم است که خودش قرینه‌ای می‌شود که امام یک حیثیتی را مطرح می‌کردند. می‌گوید اگر قضا شود بهتر از این است که من بدعت کنم. در اینجا به ذهن نمی‌آید که آن را به این سمت سوق می‌دهی که من روزه نگیرم. مسلم است که امام این کار را نمی‌کنند. فقط دارد در مورد این حیث صحبت می‌کنند.

> 21:37

استاد: پس وجه اول هنوز ماند. ببینید وجه اول این است: شما قبول دارید حتی کسی که نیت ماه مبارک می‌کند به‌خاطر پررنگ بودن ماه مبارک است، وقتی به او می‌گویید ولو ماه مبارک نباشد تو می‌خواهی زیاد کنی؟ چه می‌گوید؟ می‌گوید بله یا نه؟ غلبه عرف عام چیست؟ می‌گوید نه. وجه اول که جلسه قبل عرض کردم می‌آید. یعنی «ازدیه» که امام علیه‌السلام می‌گویند اصلاً در متن مردم محقق نمی‌شود. حضرت می‌گویند من خوش ندارم روزی از شعبان را روزه بگیرم که «ازدیه فی رمضان». مردم این کار را نمی‌کنند. یعنی عملاً زیادی به نیت به شرط زیادی که مبطل است را عرف نمی‌کند. یعنی واگذار کردن مضمون «لان افطر» به یک فرد اندری می‌شود که یکی می‌گوید

ولو ماه مبارک هم نباشد من میخواهم زیاد کنم.

شاگرد: این نکته خوبی است، تنها مشروط به اینکه ما بدعت را به این ببینیم که طرف یقین بخواهد ماه رمضان را اضافه کند. اما اگر صرف تساهل و تسامح در اینکه باید احراز کنی نیز بدعت باشد؛ ادخال ما لم یعلم من الدین فی الدین؛ خصوص آن فرمایش نمیشود و با آن هم جور در میآید.

استاد: یعنی الآن شما کار او را جایز نمیدانید؟

شاگرد: نه.

شاگرد۲: شما فرض را جایی میبری که از او سؤال میکنید. اما قبل از اینکه از او سؤال کنید و وقتی که او غافل است، اضافه میکند.

استاد: اگر احتمال بعدی را میخواهید بگویید، یعنی به حمل شایع «ازدیاد» هست، من حرفم ماندهاست. صحبت سر نیت است. الآن او واقعاً نیت ماه مبارک را نکرده ولو به شرط «ازدیاد». چون فرض برای او پررنگ است ذهنش سراغ فرض میرود. نه اینکه الآن او نیت زیادی کرده باشد.

شاگرد: الآن برای او پررنگ است و با غفلت خودش با این نیت میگیرد.

استاد: خب ادعی، مهم است. ادعای او زیاده کردن در ماه مبارک است؟!

شاگرد: الآن استعمال «ازدیاد فی شهر رمضان»...

استاد: ناظر به غالب نیست چون وقتی از او میپرسید میگوید «ال ازدیاد». اصلاً ذهن عرف عام میگوید که من ماه مبارک را روزه میگیرم اما تزیده را نمیگویم. میگوید اگر ماه مبارک نباشد که منظور من نیست. من میخواهم بگویم حضرت که فرمودند «ازدیاد» به‌معنای این نیست که او صرفا نیت بکند. اصلاً«ازدیاد» یک بازتاب بیرونیای دارد که با این مقدماتی که عرض میکنم شارع او را میگویند. لذا اینها را عرض کردم برای تضعیف اینکه «ازدیاد» صرف نیت باشد. نه برای نفی آن. برای اظهر و ظاهر میگویم.

---

[1] وسف۳۳

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 16:08:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 16:10:32 توسط ... .